معرفی کتاب: اسلام و مسیحیت در جهان معاصر

یاسر شعبان - ترجمه: صالح واصلی

ویلیام مونتگمری وات، الاسلام والمسیحیة فی العالم المعاصر، ترجمه عبدالرحمن عبدالله الشیخ، القاهره: الهیئة المصریه العامه للکتاب، 1998.

در اواخر قرن بیستم یکی دیگر از واقعیتهای بزرگ، یعنی آمیختگی ادیان در جهان مورد تاکید قرار می گیرد.

طی پنجاه سال پس از جنگ جهانی دوم، نوعی گسترش چشمگیر در آمیختگی روابط ادیان مختلف در همدیگر بوجود آمده که نظیر آن جز در دوران امپراتوری روم و طی سه قرن نخستین مسیحیت سابقه نداشته است. این آمیختگی موجب آن شد که شبکه پیچیده ای از روابط بین افراد به عنوان نماینده عقاید و تمدنهای خود و دارای افکار اصلی و سمبلهای آن پدید آید.

در سایه موج سلطه طلبی با ماهیت تشکیلاتی، کشمکشها و جنگ میان ادیان و فرهنگهای مختلف ظاهر می گردد و به اقتضای روابط بین جوامع بشری، ماهیت این کشمکشها در برهه های مختلف تفاوت داشته است.

پیش از سلطه اروپاییان، جوامع بشری به قالبهای دینی و فرهنگی بزرگی تقسیم می شدند و هر کدام از قالبها، جدای از دیگری، حیات خود را ادامه داد. بدین ترتیب، بروز هر کشمکشی میان هر یک از این قالبها به مثابه کشمکش بین طیفهای مختلف تمدنی خواهد بود که بدون هرگونه ملاحظات نژادی مبنی بر ارجحیت داشتن یکی بر دیگری، از همدیگر حمایت خواهند نمود.

پس از انقلاب صنعتی، اروپاییان خود را تافته جدابافته می دانستند و احساس می کردند که تنها آنها بایستی مورد احترام واقع شوند. اروپا نیز به عنوان نماینده جهان مسیحیت با حالتی برتری جویانه با دیگر ادیان جهان برخورد می کرد و معتقد بود که " مسیحیت" به عنوان دین مترقی و برتر برای بشریت می باشد و دیگر ادیان، عقب مانده و بدوی هستند. روند مزبور این گمان افراطی را بوجود آورد که دیگر ادیان غیر مسیحی و از جمله ادیان بزرگ، بزودی جای خود را به مسیحیت خواهند داد.

بدنبال آن، دوره میانی قرن بیستم با تغییرات انقلابی در زمینه های مختلف شروع گردید، تغییرات فکری، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عقیدتی که سعی دارد با انقلابی اطلاعاتی و جهان شمولی،نظم نوین جهانی و شرکتهای چند ملیتی پیگیری نماید.

اینک مساله برسمیت شناختن غیراروپاییان به عنوان همتای خود، مورد پذیرش قرار گرفته و برای دبیر کلی سازمان ملل، اشخاص آسیایی و آفریقایی انتخاب گردیدند و اصطلاحاتی همچون "فرهنگهای دوره بعد از استعمار" برای فرهنگهای جنوب آسیا ظاهر شد. همچنین کسانی که به تاریخ جهان پرداخته بودند، توجه بیشتری به تمدنهای بی ارتباط با اروپا نمودند و بدین وسیله موجب گردید تا اروپاییان به ادیان دیگری غیر از مسیحیت که در گذشته دستاوردهای مادی و معنوی قابل توجهی را داشته اند، پی ببرند. پیروان این ادیان بایستی از طریق فرهنگ خاص خود و نه اندیشه رهایی از مسیحیت، بدنبال راه خلاص باشند.

این موضوع زمینه را برای مقبولیت نظریه گفت و گو بین ادیان و تمدنها بر اساس برابری و مساوات فراهم ساخت. بدین ترتیب، این گفت و گوها مساله نظریه پردازی را پشت سر گذاشته، بجای آن، قضایایی در سطح علمی و ارائه اندیشه های جدید پیرامون روابط میان مسیحیت و ادیان دیگر مطرح شد تا جایگزین افکار موروثی برخی و بویژه پیروان کلیساباشد، مبنی بر اینکه افراد غیر مسیحی تنها کمی بر گروههای بدوی وحشی ارجحیت دارند، بطوری که پی خواهند برد که غیر مسیحیان نیز قادرند با تمدن زندگی کنند و همچون آنان اعتقاداتشان مبتنی بر نظامی خردمندانه باشد.

مؤلف کتاب (ویلیام مونتگمری وات) تلاش دارد تا یکی از جوانب قضایای مربوط به آمیختگی ادیان و دقیقا رابطه بین مسیحیت و اسلام را مورد مطالعه قرار دهد. وی تاکید می کند که بخش اعظم مطالعاتش به منظور آگاه ساختن مسیحیان نسبت به ضرورت بررسی جدی رسالت اسلامی است که تا بحال اهمیت آن را درک ننموده اند و نیز معطوف ساختن توجه آنان به این نکته که بسیاری از اندیشه های پدران، مبنی بر برتری مسیحیت، ناشی از اعتقاد افراط گرایانه در خصوص برتری تمدن مادی اروپا بوده است، ولی از جنبه دینی، قرآن کریم همچون تورات و انجیل است و مشکل اصلی در عدم درک صحیح عبارت "مجاز" در کتب مذهبی و همچنین ناشی از توهمات و طمعهای سازمانهای مختلف بوده است.

تحول علمی و تقریب بین ادیان

به اعتقاد وات تحول علمی موجب تقریب بین ادیان شده و زمینه وسیعتری را برای مشارکت صاحبان ادیان فراهم خواهد ساخت. برای مثال، متحول شدن علوم و مهندسی ژنتیک باعث شده است تا با قاطعیت، امکان پدید آمدن یک موجود زنده بدون وجود رابطه معروف جنسی و در عین حال، بدون وجود رابطه حرام و غیرانسانی را بپذیریم. (و این چیزی است که به وسیله آزمایشات شبیه سازی اخیر به اثبات رسیده است.)

وات مهمترین عامل تقریب بین ادیان را وسایل ارتباطی دانسته است، علی رغم اینکه در زمان تالیف کتاب در دهه شصت، این وسایل هنوز پیشرفت کنونی را پیدا نکرده بود. وات ادامه می دهد که سهولت جابجایی، جهانگردی، پیشرفت کامپیوتر، ماهواره و شبکه اینترنت، همگی دستیابی به اطلاعات صحیح از ادیان دیگر را آسان نموده، آنان را نسبت به هم نزدیکتر خواهد ساخت و زمینه را برای روزی که پیروان ادیان آسمانی به مشترک بودن ارزش اصلی ادیان خود پی ببرند و اینکه بسیاری از اختلافات لاهوتی ناشی از عدم دقت در بیان مسائل غیبی است، فراهم نماید.

مؤلف، علی رغم اظهار خوشبینی، مواضع سازمانها با گرایشات مختلف را که به مثابه مانعی بر سر راه این نزدیکی به شمار می روند، از نظر دور نداشته است; چرا که این سازمانها زمانی که احساس کنند از نقش آنان کاسته شده و بتدریج اهمیتشان از بین می رود، درصدد گسترش جوانب اختلاف و مطرح ساختن قضایای لاهوتی دشوار بر خواهند آمد. در چنین حالتی است که این سازمانها به پیش گویی و تفسیرات غیبی متوسل شده، غرق در مسائل باطنی و اعلام احتمالات و احضار ارواح خواهند گردید.

بدین ترتیب، وات به این نتیجه می رسد که کشمکشهای عقیدتی به صورت بخشی از کشمکشهای اطلاعاتی در خواهد آمد، به نحوی که هر کس ناگزیر باشد برای رویارویی با دیگران در دفاع از عقیده و فرهنگش، اطلاعات کافی برای خود گردآوری کند.

از سوء تفاهم تا گفت و گو

سه مفهوم اصلی از هرمنوتیک فلسفی در نظر گادامر عبارتست از: تفسیر، درک، گفت وگو. گادامر معتقد است که رابطه سه مفهوم یاد شده جدی است; چرا که تفسیر بدون فهم و گفت وگو امکان ندارد. تفسیر وسیله ای برای پشت سر گذاشتن احساس بیگانگی نسبت به یک موضوع نامفهوم برای ما که نمی گذارد با آن موضوع انس پیدا کنیم و همان طوری که معروف است، اصلی که در ابتدا باعث بوجود آمدن علم هرمنوتیک شد، محدود به تفسیر متونی از کتاب مقدس می گردید که انسان به خاطر عدم فهم مطالب آن، نسبت به آن احساس بیگانگی می کرد.

بدین ترتیب می توانیم چنین استنباط کنیم که چنانچه تفسیر، همیشه نیازمند فهم باشد، فهم و درک واقعی نیز تنها از طریق گفت وگو محقق خواهد شد، گفت وگویی که بدون تعصب در قبال موضوع و با هدف دستیابی به توافق یا هر عامل مشترکی که مورد قبول نفس باشد، انجام گیرد. سه مفهوم مذکور همان چیزی است که مؤلف کتاب "اسلام ومسیحیت در جهان معاصر"، سعی در تاکید بر اهمیت و کارآمدی آنها دارد و در ضمن ده فصل کتاب، به بررسی آن پرداخته است.

مؤلف هدف مبحث خود را در مقدمه کتاب چنین بیان می کند: "هدف اصلی من این است که اسلام را با بهترین و ساده ترین صورت به مخاطبین اروپایی و امریکایی که مسائل را با نگاهی دینی یا غیر دینی می نگرند، ارائه کنم و بدنبال آن هستم که تاثیر مسائل بجای مانده از تبلیغات منفی جنگهای قرون وسطی (جنگهای صلیبی) را خنثی سازم، همچنین سعی نمودم تا مخاطب را تشویق کنم، بهتر از گذشته، درباره اهمیت اسلام تحقیق کند، اهمیتی که طی صدها سال پس از گذشت جنگهای مزبور متجلی گردید.

دومین هدف این بود که برای مسلمانان بیان کنم که لزوما" محققان غربی، مخالف اسلام،به عنوان یک دین، نمی باشند و چه بسا می توان این گرایشها را به همدیگر نزدیک کرد". البته مخاطبین عرب باید در نظر داشته باشند که روی سخن این کتاب در درجه نخست، خوانندگان اروپایی است و باید سه مفهوم مورد اشاره گادامر را کاملا" درک نمود تا در دام تصورات نهادی و هرگونه سوء تفاهم و مواضع افراطی قرار نگیریم. در نهایت، لازم می بینم تا به منظور پی بردن به میزان جدیت و اهمیت بحث مزبور، با شخصیت مؤلف آشنا شویم:

مونتگمری وات بیش از سی سال از عمر خود را از سال 1937، صرف فراگیری اسلام و ادیان دیگر نمود و برای مراجعه مستقیم به منابع اصلی و قرآن و احادیث و کتب فقهی، به زبان عربی تسلط کافی پیداکرد.

وی در سال 1947، در خلیفه گری انجیلی فعالیت داشت، به برخی از کشورهای عربی سفر نمود و از نزدیک باصطلاح خودش، باقلب جهان اسلام آشنا شد و با تعداد بسیاری از مسلمانان هند و پاکستان گفت وگو کرد. رساله دکترای وی نیز درباره قضا و قدر در میان مسلمانان قرون نخستین هجری نوشته شده و از جمله تالیفاتش: "[حضرت] محمد(ص) در مکه"، "[حضرت] محمد در مدینه "و "نظریه اکتساب" می باشد.

منبع:

الحیات، شماره 13133، 20/2/1999.

پی نوشت:

1) کارشناس دفتر تحقیقات اسلامی